



فراز و فرودهای شعر یمینی شریف

نگاهی به شعر و زندگی عباس یمینی شریف

دکتر کاووس حسینی

عباس یمینی شریف (متولد ۱۲۹۸ ش، پامنار تهران) یکی از بیشگامان شعر کودک بود. او از نظر تاریخی پس از شاعرانی هم چون ایرج میرزا و یحیی دولت آبادی قرار می‌گیرد.

محیط خانوادگی یمینی شریف محیطی فرهنگی بوده است و همسایگی آن‌ها با فرخی یزدی - شاعر آزادی خواه معاصر - و آشنایی او با اشعار فرخی یزدی در شکل‌گیری

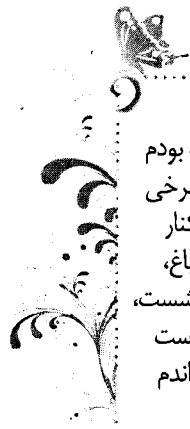
پی‌گیرانه‌ی او در طول چندین دهه، نامش را در فهرست پیشگامان و بنیان‌گذاران شعر کودک به شایستگی به ثبت رسانده‌است.

۲- بهره‌گیری از زبانی ساده، روان و موزون

یکی از ویژگی‌های زبانی سروده‌های یمینی‌شریف سادگی و روانی آن‌هاست. کودکان زمان یمینی‌شریف در مقایسه با نسل پیش از خود، این بختیاری را داشتند که می‌توانستند به جای خواندن اشعار فخیم، فاخر و سنگین گذشته، سروده‌هایی ساده و روان را - که با توجه به حوزه‌ی واژگانی سن آن‌ها سروده شده بود - بخوانند و به آسانی با این سروده‌ها پیوند برقرار کنند. سروده‌های کودکان‌های چون: فرزندان ایران (ص ۵۴)، کتاب خوب (ص ۵۵)، درخت می‌کارم (ص ۵۵)، چشمک بزن ستاره (ص ۵۶)، من و ماه (ص ۵۸)، کشتی می‌سازم (ص ۶۱) از همین ویژگی برخوردارند.

۳- جدا کردن مخاطب کودک از غیر کودک و دادن هویت مستقل به کودک

توجه به ادبیات مستقل کودک، از بینشی نواندیشانه برخاسته بود و



در آن موقع من کودکی ده ساله بودم و می‌توانستم شعرها را بخوانم، فرخی آن‌ها را به من می‌داد و من در کنار آوازخوان که در بلندترین محل باغ، مشرف به رودخانه‌ی دربند می‌نشست، می‌نشستم و شعرها را از روی دست نویس‌های فرخی آهسته می‌خواندم

محصول دنیای جدید بود. زیرا در ادب مکتوب گذشته، کودکان به فراموشی سپرده شده بودند.

انگار کودکان، برای برانگیختن توجه کامل و داشتن ادبیاتی مستقل، شایستگی و قابلیت لازم را نداشتند. در شعر گذشته‌ی فارسی، مخاطب کودک و غیر کودک جدا نبودند و کودکان، مخاطبان مستقل به شمار نمی‌رفتند. شعر یمینی‌شریف هم چون باغچه‌بان حلقه‌ی اتصال شعر پیش از او و پس از اوست. باغچه‌بان و یمینی‌شریف در سروده‌های خود مخاطب کودک را با مخاطب غیر کودک جدا کردند و آنان را با هویتی مستقل نگاه کردند.

بی‌گمان این خود پیشرفتی اساسی در شعر کودک بود. اما یادآوری این نکته نیز در همین جا شایسته است که هر دو نفر آنان در جایگاهی بلند، نصیحت‌گرانه به کودک نگاه کردند و نتوانستند خود را به جای کودک

شخصیت وی - به تأکید خود او - تأثیری بسزا داشته است.

یمینی‌شریف درباره‌ی ارتباط خود با فرخی یزدی نوشته است: «از جمله عوامل جالب برای روی آوردن من به شعر این که فرخی علاوه بر انتشار اشعار و افکارش، از طریق روزنامه‌ها و مطبوعات، بخصوص روزنامه‌ی خودش طوفان، آوازخوانی را استخدام کرده بود که اشعار سیاسی و انتقادی او را در آن باغ که بر روی کوه و مشرف به رودخانه و جاده‌ی دربند بود، شب‌های جمعه و شب‌های شنبه که جمعیت فراوانی برای تفریح در دره‌ی دربند و سربند رفت و آمد می‌کردند یا در باغ‌ها ساکن می‌شدند، به صورت آواز بخواند و پیام او را به گوش آنان برساند.

اما اشکال کار در این بود که آوازخوان سواد نداشت. چون در آن موقع من کودکی ده ساله بودم و می‌توانستم شعرها را بخوانم، فرخی آن‌ها را به من می‌داد و من در کنار آوازخوان که در بلندترین محل باغ، مشرف به رودخانه‌ی دربند می‌نشست، می‌نشستم و شعرها را از روی دست نویس‌های فرخی آهسته می‌خواندم و او با صدایی رسا که چند بار در کوهستان‌ها می‌پیچید، می‌خواند و دره‌ی دربند را در شور و حالی فرو می‌برد...» (یمینی‌شریف: ۱۳۷۳، ص ۱۵)

یمینی‌شریف آموزگاری مهربان و متعهد بود، تمام عمر خویش را بر سر تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان گذاشت. مطالعات او در ادبیات خارجی و ترجمه‌ی برخی آثار، سفر او به خارج و آشنا شدن با روش‌های نو در ادبیات کودک و مانند این‌ها، او را تا جایگاه یک سخنور مهربان و آشنا به کودکان بالا برد.

استادانی که در شکل‌گیری ذهنیت شاعرانه‌ی یمینی‌شریف نقش مهمی داشتند، کسانی بودند چون: دکتر عیسی صدیق، علی اصغر حکمت، دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر ذبیح‌الله صفا و...

در واکاوی کارنامه‌ی یمینی‌شریف چندین ویژگی (فراز و فرود) دیده می‌شود که شایسته‌ی یادآوری است. (نمونه‌هایی که در این مقاله بدان‌ها استناد یا اشاره شده، مربوط به کتاب «نیم قرن در باغ شعر کودکان» گزینه‌ای از اشعار عباس یمینی‌شریف است.)

فرازاها

۱- پی‌گیری مداوم برای جریان‌سازی و پدیدآوری آثار کودکانه

یمینی‌شریف با حضوری گسترده، فراگیر و مؤثر، بیش از نیم‌قرن در ادبیات کودک درنگ کرد و اشعاری با موضوعات گوناگون و متنوع پدید آورد که چیرگی مفاهیمی چون: صمیمیت، یک‌رنگی و مهربانی در آن آشکار است.

یمینی‌شریف افزون بر سرایش اشعار گوناگون، در انتشار مجله‌هایی چون: بازی کودکان (سال ۱۳۳۷)، کیهان بچه‌ها (۱۳۳۵ تا ۱۳۵۸) و تأسیس نهاد ارزشمندی چون شورای کتاب کودک (۱۳۴۱) نقش اساسی بر عهده داشت. (محمدی و قائینی: ۱۳۸۲، ص ۷۶-۷۸). کوشش‌های

بگذارند و از دریچه‌ی چشم او جهان هستی را نگاه کنند.

۴- توجه به شعر نوجوان

توجه به مخاطب نوجوان از ویژگی‌های ارزشمند اشعارِ یمنی شریف است. واقعیت آن است که با آن که ادبیات کودک در دوران معاصر هویتی مستقل یافت و بدان توجه فراگیر شد، اما ادبیات ویژه‌ی نوجوانان، بویژه در حوزه‌ی شعر، همچنان کم‌برگ و بار مانده است. بسیاری از سروده‌هایی که به نام نوجوانان بازخوانده شده است یا کودکانه است یا بزرگسالانه. از کسانی که در دوران شکل‌گیری ادبیات کودک و نوجوان به شعر نوجوان توجه نشان داد، عباس یمنی شریف است. سروده‌های نوجوانانه‌ی او - در سنجش با شعرهای کودکانه‌اش - ساختاری هنری‌تر و زبانی سخته‌تر دارند. یمنی شریف برای سرایش اصیل کودکانه، باید به دوران کودکی بازمی‌گشت و در جایگاه کودک قرار می‌گرفت.

به نظر می‌رسد او نتوانسته است به چنین بازگشتی دست یابد. اما می‌توان گفت تا حدودی به دوران نوجوانی بازگشته است. سروده‌های نوجوانانه‌ی او معمولاً می‌توانند از زاویه‌ی دید نوجوان پدید آمده باشند. به نظر می‌رسد اگر یمنی شریف بر تولید ادبی در حوزه‌ی شعر نوجوان تمرکز می‌کرد، آثار درخشان‌تری از او پدید می‌آمد و تعداد سروده‌های خوبی مانند ابر سرگردان (ص ۸۸)، قصه‌ی برگ‌ها (ص ۸۶)، درخت سرشکسته (ص ۷۰) مناظره‌ی میز و چراغ (ص ۱۰۶) همه‌کاره و هیچ‌کاره (ص ۱۲۰) بسیار بیشتر می‌شد. با این همه، باید یادآوری کرد که برخی از سروده‌هایی که یمنی شریف برای نوجوانان (سن آخر دبستان و دوره راهنمایی) سروده، کاملاً به حوزه‌ی سنی بزرگسالان مربوط می‌شود (مانند «گنبد ارغوان»، ص ۹۰).

فرودها

۱- غلبه‌ی مفهوم تعلیم و تربیت بر عناصرِ شاعرانگی

رفتارِ یمنی شریف و باغچه‌بان در ادبیات آن زمان رفتاری نوگرایانه بود اما امروز شیوه‌ی نگاه آنان شیوه‌ی سنتی می‌نماید. شعر و بهتر بگوییم نظم موسیقایی واژه‌ها در دست باغچه‌بان و یمنی شریف تنها ابزاری برای بیان مسائل تعلیمی و تربیتی بود. باغچه‌بان و یمنی شریف آن قدر که به کودک و تربیت او اهمیت می‌دادند به شعر و جایگاه آن توجهی نداشتند. از همین رو، سروده‌های آنان از دیدگاه زیبایی‌شناسی هنری، لاغر و ضعیف هستند. شیوه‌ی نگرشِ یمنی شریف را آشکارا می‌توان از گفته‌های خود او دریافت. او درباره‌ی چگونگی ساختن شعرهایش گفته است: «موضوع شعر گاه خود پیش می‌آمد و محیط القا می‌کرد. گاه برای بیان منظورهای خاص، موضوع‌های مناسب انتخاب می‌شد. فی‌المثل بنا به وظیفه‌ی یک معلم و مربی، از جمله کارهای من این بوده است که گاه در برابر موضوع شعری که از سابق وجود داشته و در اذهان جای گیر شده است ولی از نظر اجتماعی و تربیتی و تأثیر روانی در آن

عیبی تشخیص می‌دادم و زبان آورش می‌دیدم، شعری از نو می‌ساختم و منتشر می‌کردم؛ به امید این که روزی جایگزین شود. مثلاً در مورد شعری که مادران برای پسران کوچک خود می‌خواندند و بعدها آن را پسرها تکرار می‌کردند و چنین بود:

(پسر به پسر قند عسل / دختر به دختر کپه خاکستر) و دخترها هم در برابر این تحقیر و اهانت می‌خواندند: (دختر آ تنگ طلا / پسر آ برق بلا) من دو شعر ساختم که هدفم از ساختن آن‌ها بیان صفات خوب هر یک و برابر و مساوی نشان دادن هر دو بود:

(من که از گل بهترم / پسر من پسر - در دبستان همه را / مثل خود می‌شمرم - مادر از من راضی ست / هست راضی پدرم) و نیز (بچه‌ها من دخترم / در خوش زبانی نو برم - در خانه‌داری ما هر م / شریک کار مادرم - وقتی که پیش پدرم / شیرین به مثل شکر م). (یمنی شریف، ص ۲۵)

۲- بیان نصیحت‌گرانه‌ی تحکمی

نسل پیش از یمنی شریف، یعنی کسانی چون ایرج‌میرزا، بهار و یحیی دولت‌آبادی به کودکان توجه کردند و شعر مستقل برای کودک سرودند، اما هم‌چنان در همان جایگاه بلند پدرسالار نشستند و از آن بالا کودکان را در سخنان منظوم خود نصیحت کردند. شعر کودک آرام آرام به نسل باغچه‌بان و یمنی شریف که رسید، هم رسمی‌تر و جدی‌تر شد و هم به استقلالی شایسته رسید.

شاعر کودک نیز از آن جایگاه بلند خود چند پله پایین‌تر آمد. اما فقط چند پله! این نزدیک شدن شاعر به کودک در شعرِ یمنی شریف نسبت به باغچه‌بان آشکارتر دیده می‌شود. ولی واقعیت این است که در این نسل نیز هم چنان فاصله وجود دارد.

این محمود کیانوش است که پس از باغچه‌بان و یمنی شریف با جدی گرفتن نظام نوین تربیتی و تعهد به عنصر زیبایی‌شناسی شعر، اشعاری آفرید که از دیدگاه هنری با همه‌ی آن چه پیش از او سروده شده بود متفاوت و از همه‌ی آن‌ها مایه‌ورتر بود.

شاعرانی که می‌توانند از نگاه کودکان و با چشم آنان به جهان بیرون نگاه کنند و می‌توانند از زبان آن‌ها سخن بگویند، دیگر از جایگاه دانای کل، قیّم‌آبانه و نصیحت‌گرانه سخن نمی‌گویند. بلکه سخنشان از جنس نگاه آنان است.

آن چه در آثار کسانی هم‌چون یمنی شریف به گونه‌ای آشکار رخ می‌نماید و این آثار را در موضع انتقاد قرار می‌دهد، تنها غلبه‌ی تعلیمی نیست، بلکه نگاه سنتی به مقوله‌ی تربیت نیز هست.

در فرهنگ گذشته‌ی ایران تعلیم و تربیت به گونه‌ای بود که معلم و مربی در جایگاه دانای کل - بالاتر و برتر - از کودک می‌نشست و او را بی‌پرده و مستقیم نصیحت و رهبری می‌کرد.

امروزه این شیوه‌ی تربیت کارایی خود را از دست داده و از دیدگاه دانشمندان نواندیش تعلیم و تربیت روشی کهنه و منسوخ شده است. «نگاه پدرسالارانه در ادبیات کودک ایران، ادبیات را «تک‌صدایی» می‌خواهد. در صورتی که کودک در یک ادبیات باز و چند صدایی است که جوهر خلاقه‌ی خود را کشف می‌کند.

۳- لاغر ماندن سروده‌ها از عناصر شعری

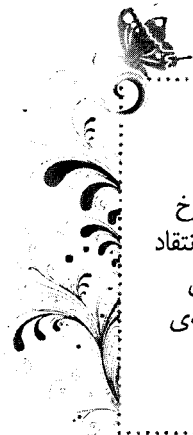
یمینی شریف هنگامی که ویژگی‌های شعر کودک را برمی‌شمارد مؤلفه‌های زیر را از عناصر شعر کودک می‌داند و بر آن پای می‌فشارد: «وزن، قافیه، معنی، موضوع و مضمون، پیام و قالب شعر» (همان، ص ۳۵-۳۶). همان‌گونه که دیده می‌شود نگرش تعلیمی کاملاً بر عناصر شعر سایه‌افکنده است. حتی هنگامی که یمینی شریف می‌خواهد به عنصر خیال اشاره کند، آن را در عوامل زیر مجموعه‌ی عناصر پیام می‌آورد. این خود نشان می‌دهد که تا چه اندازه ویژگی‌های هنری به حاشیه رانده شده است.

«قوت داشتن رویکرد تعلیمی نسبت به کودکان که از قرن سوم هـ. ق تا دوران معاصر امتداد داشته است، موجب می‌شود که علی‌رغم ورود آثار ویژه‌ی کودک به جامعه‌ی ایران، تلقی مدرنیته از هدف ادبیات کودک که معطوف به لذت مخاطب و برانگیختن حس زیبایی‌شناسانه‌ی او بود، توسط متولیان ادبیات کودک، مورد توجه قرار نگیرد»

(هجری: ۱۳۸۳، ص ۹۰)

بسیاری از سروده‌های یمینی شریف در واقع معادل سر مقاله‌ی مجله بوده‌اند، در نتیجه باید به آن اهداف وفادار می‌مانده‌اند. او خود گفته است:

«هر جا تشخیص می‌دادم که اگر موضوع انتقادی، تربیتی، بهداشتی،



آن چه در آثار کسانی هم چون یمینی شریف به گونه‌ای آشکار رخ می‌نماید و این آثار را در موضع انتقاد قرار می‌دهد، تنها غلبه‌ی تعلیمی نیست، بلکه نگاه سنتی به مقوله‌ی تربیت نیز هست.

اخلاقی و اجتماعی مورد نظر که گاهی سر مقاله را تشکیل می‌داد، به شعر باشد، مؤثرتر واقع می‌شود و بیشتر در ذهن کودکان می‌ماند، آن را به شعر می‌گفتم و در مجله درج می‌کردم» (یمینی شریف، ص ۲۹)

بینش سنتی یمینی شریف را در پیوند با سه مقوله‌ی «شعر، نظم و نثر» می‌توان از داوری زیر دریافت: «اگر می‌گویند نام آن اشعار یمینی شریف نظم است، کلمه‌ی نظم از ارزش این گونه اشعار نمی‌کاهد. زیرا معنی نظم عام‌تر از معنی شعر است.

از طرفی کلام را به طور کلی به نظم و نثر تقسیم می‌کنند. از طرف دیگر اگر کلامی مقید به هیچ گونه نظم نباشد، نه تنها شعر نیست، نثر هم نیست. بلکه تعدادی کلمات است که مانند مخلوطی از حبوب در ظرفی ریخته باشند» (همان، ص ۲۹)

و گرنه یک مقلد بار می‌آید. مقلدی که از موجودیت انسانی خود تهی و به رونوشتی از بزرگ‌ترهایش تبدیل می‌گردد. نقاشی را جوری می‌کشد که معلم نقاشی‌اش می‌پسندد. انشایش را جوری می‌نویسد که شرایط اقتضا می‌کند. خودش را طوری نشان می‌دهد تا نمره‌ی انضباط خوب بیاورد...»

(نعیمی: ۱۳۷۹، ص ۱۴)

در نگاه «قیم‌آبانه»، بزرگ‌ترها باید کودکان را با هر وسیله‌ی ممکن، پیوسته از نزدیک شدن به بدی‌ها یازدارند و با تهدید و تذکر مستقیم از کج‌روی‌های آن‌ها پیش‌گیری کنند.

در حالی که در نگاه «نظارتی» مربی با هوشمندی و مواظبت غیرمستقیم، اجازه می‌دهد کودک خوب و بد را تجربه کند، آبدیده شود و خود راه شایسته را گزینش نماید.

یمینی شریف در شعرهای خود پیوسته در حال امر و نهی است. کودک را قابل مخاطب شدن یافته، اما او را هنوز شایسته‌ی استقلال در رفتار ندیده‌است. سایه‌ای بسیار سنگین بر سر کودک شعرش انداخته، به گونه‌ای که او باید مؤدب بنشیند و فرمان‌پذیری کند.

برای نمونه هنگامی که می‌خواهد از زبان‌های سیگار بگوید و مخاطبان خود را از آن پرهیز دهد، با زبان و بیانی غیرهنری می‌گوید:

فکر می‌کنی این کار خوبه

کشیدن سیگار خوبه؟

تو آدمی یا دودکشی؟

یا چوب روی آتشی؟

آخر بگو چه سود داره

چه فایده‌ای این دود داره؟

سیگار کشی هنر نشد

جز مایه‌ی ضرر نشد

باعث زجر و دردسر

برای مردم دگر

جالب‌تر آن که این چند بیت از جمله سروده‌هایی است که یمینی شریف به عنوان نمونه‌هایی خوب- در دفاع از کارهای خود- در مقدمه‌ی کتاب آورده است. او در پیوند با همین چند بیت بالا نوشته است: «درباره‌ی سیگار که گاهی دیده می‌شد که کودکان هم به تقلید از بزرگ‌تران سیگار می‌کشند، شعری در مجله درج کردم که چند بیتش بدین قرار است.» (همان، ص ۳۰) این شیوه‌ی بیان در بسیاری از اشعار کودکانه‌ی یمینی شریف دیده می‌شود:

آهای آهای ای بچه جان

توی کوچه سنگ نهران

سنگ بزنی سر می‌شکنی

خدا نکرده ناگهان...

۴- ضعف تألیف و زیاده‌گویی

یمینی شریف در پیوند با ویژگی‌ها و شرایط شعر کودک نوشته‌است: «شعر کودک از حیث انتخاب کلمات، اوزان، قوافی و مضمون، دارای نکته‌هایی باریک‌تر از ماست که دآوری درباره‌ی آن، کار هر کس نیست. کار کسی است که هم کودک‌شناس باشد، هم شعرشناس، هم دارای صفات و خصایص یک مربی وارسته و بری از اغراض و امراض و کینه‌ها» (همان، ص ۳۴)

اما در سروده‌های خود او بسیاری از واژه‌ها، ترکیب‌ها و مصراع‌ها را می‌توان نشان داد که به گونه‌ای حشو و اضافه هستند و اغلب به ضرورت رعایت وزن، وارد شعر شده‌اند و به کیفیت آن آسیب رسانده‌اند، برای نمونه به چند بیت زیر که برای کودکان سروده شده است، نگاه می‌کنیم:

آهای آهای ای بچه جان

توی کوچه سنگ نپران

سنگ بزنی سر می‌شکنی

خدا نکرده ناگهان

سر که شکستی شر و شر

خون می‌ریزه از جای آن

صاحب سر داد می‌کنه

آی پاسبان آی پاسبان

می‌بردت کلانتری

به ضرب و زور و کش کشان

آن جا تو را حبس می‌کنند

بین تمام حبسیان...

همان‌گونه که دیده می‌شود بیت سوم (سر که شکستی شر و شر / خون می‌ریزه از جای آن) زیادی است و هیچ ضرورتی ندارد. حذف این بیت هیچ خللی در شعر ایجاد نمی‌کند. هم‌چنین است مصراع دوم بیت (می‌بردت کلانتری / به ضرب و زور و کش کشان) و مصراع دوم بیت (آن جا تو را حبس می‌کنند / بین تمام حبسیان). دومصراع یاد شده هیچ نقشی جز تعادل وزنی ندارند و در نتیجه سخنی اضافی هستند. این گونه از سخنان اضافی را در شعرهایی که برای نوجوانان سروده شده، نیز می‌توان دید؛ برای نمونه در داستان «فری به آسمان می‌رود» هنگامی که فری پیدا می‌شود و زن و مرد روستایی، نشانی منزل فری را از عمه‌ی او می‌گیرند، مرد می‌گوید:

ولی از خانه‌ی خود یک نشانی

دهید از راه لطف و مهربانی

چو ما از کار خود آسوده گردیم

تمام کار کشت و زرع کردیم

بیاییم و فری جان را ببینیم

فری جان را در آن جا ما ببینیم

بیان مصراع آخر هیچ ضرورتی ندارد. زیرا مطلب در مصراع اول همان بیت تمام شده و وجود مصراع دوم، آشکارا به شعر ضربه زده است. در داستان «بچه گربه‌ها و پیرزن» نیز هنگامی که پیرزن بچه‌گربه‌ها و موش را با جارو از خانه بیرون می‌کند مطلب مورد لزوم داستان تمام می‌شود. اما باز هم بی‌نیی اضافه می‌شود که هیچ ضرورتی ندارد:

برخاست زجا و کرد بیرون

آن موش و دو گربه را به جارو

از پشت اتاق کردشان دور

با دسته‌ی بیل و پشت پارو

واژه‌هایی که تنها به ضرورت وزن یا قافیه وارد شعر یمینی شریف شده‌اند کم نیستند؛ برای نمونه در «درد دل حیوانات» از قول «قاهره» می‌نویسد:

هفت و هشت، هفت و هشت

رفتم رشت رفتم رشت

روز تا شب، شب تا روز

یا در کوه یا در دشت

مظلومی بار بکش

دیر بجنب چوب بچش

آشکارا دیده می‌شود که واژه‌ی «رشت» هیچ ارتباطی با این سروده ندارد و تنها به دلیل هم‌قافیگی با هشت و دشت در شعر آمده است. ضرورت رعایت قافیه در برخی از این سروده‌ها از عاطفه‌ی شعر به شدت کاسته است.

در شعر «اسب چموش» که شاعر می‌خواهد کودک را از نزدیک شدن به اسب چموش پرهیز دهد، می‌گوید: اگر اسب چموش تو را گاز بگیرد خون به زیر آن (؟) می‌میرد:

گازت اگر بگیرد

خون زیر آن بمیرد

شاعر برای ساختن مصراعی که هم قافیه با مصراع نخست باشد گفته است: «خون زیر آن بمیرد»! اول، معلوم نیست مرجع ضمیر «آن» در مصراع دوم کجاست. دوم، بعید است کودک مخاطب این شعر معنی مضمون «خون مردگی» را بدانند.

سوم، چنانچه این اشکال‌ها هم نباشد آیا خون‌ریزی و زخم ترسناک‌تر است یا خون مردگی زیر پوست؟! یکی از هدف‌های یمینی شریف، ساده کردن بیان برای طرح مسائلی تربیتی است و این خود از ویژگی‌های ارزنده‌ی آثار اوست. اما ضعف تألیف در برخی از سروده‌های او انتقال پیام را با اشکال مواجه می‌کند و در پیام‌رسانی اختلال ایجاد می‌کند. برای نمونه: می‌توان به مصراع «سر به صحراست که می‌مانم من» از شعر «داستان علف» اشاره کرد:

علفم خانه به صحرا دارم

من همین جاست اگر جا دارم

سر به صحراست که می‌مانم من زنده‌ی دشت و بیابانم من

و نیز مصراع «به خارج ریختم از کوره تابان»، در شعر «میز و چراغ»:

شدم پاک و جدا گردیدم از سنگ
به شکل یک فلز خوب و خوش‌رنگ
به خارج ریختم از کوره تابان
به قالب‌هاشدم وارد شتابان

هم‌چنین است مصراع «همان خالی شکم باقی نهادش»، در شعر «سگ و اسب»:

سر راهش گرفت و ره ندادش
همان خالی شکم باقی نهادش

هم‌چنین است بیت نخست از داستان «بچه گربه‌ها و پیرزن»:

یک موش دو بچه گربه پیدا
کردند و کشیدند سر به دعوا

احتمالاً «کشیدند» اشتباه چاپی به جای «کشید» است.
هم‌چنین است بیت زیر از داستان «جوجه و کلاغ»:

گهی می‌زد به نوک شانه سرش را
گهی می‌جست بالا و برش را

۵- زیاده‌روی در طبیعت‌سنجی و غافل ماندن از واقعیت‌های زندگی شهری

توجه دادن به جلوه‌های طبیعی جهان هستی از ویژگی‌های بنیادین اشعار یمینی شریف است.

این ویژگی هم در اشعار کودکانی یمینی شریف است و هم در سروده‌هایی که برای نوجوانان پدید آورده است.

با یک نگاه گذرا موضوع اشعار یمینی شریف را در عناصر زیر می‌توان دید: پروانه، ماه، خورشید، صبح، روز، باران، تگرگ، برف، سایه، مادر، برف، لاله، بنفشه، سنبل، سبزه، گل سرخ، سبزه‌ده‌در، هفت سین، عید، سرو، کاج، چنار، سیب دریا و... یمینی شریف با پرداختن به مضمون‌هایی از این دست، همواره مخاطبان خود را به سوی طبیعت و صحرا فرا می‌خواند.

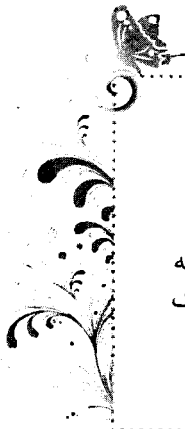
زندگی‌ای که در اشعار یمینی شریف جریان دارد یک زندگی کاملاً روستایی است.

و در آن همواره صحبت از گله‌ی گاو و گله‌ی گوسفند و درو گندم و غروب ده و مانند آن‌ها می‌رود.

در حالی که این سروده‌ها را در دهه‌های سی و چهل و پنجاه یک شاعر تهرانی سروده است. در تمام کتاب «نیم قرن در باغ شعر کودکان» تنها دوبار از وسایلی که به تکنولوژی مربوط می‌شود سخن رفته است: یک بار ساعت (ص ۴۸) و یک بار ترن (ص ۶۰) و تنها یک بار اشاره‌ای مثبت به شهر شده است:

خیابان‌ها قشنگ و دل‌ریا بود
عمارت‌ها بلند و خوش نما بود
چه دکان‌های خوبی بود هر جا
در آن‌ها می‌شد از هر چیز پیدا

مضمون بازگشت به طبیعت و بازگشت به روستا به گونه‌ای فراگیر و تکراری و دل‌آزار سایه بر بسیاری از سروده‌های کودک و نوجوان انداخته است. و این ویژگی در شعر دهه‌ی هفتاد و هشتاد هم به چشم می‌خورد. در حالی که زندگی کودکان شهری، به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر با تکنولوژی و صنعت گره خورده و نمی‌توان این ابزار و وسایل کارآمد را هم چون هیولاهایی وحشتناک و تابوهای ناشایست توصیف کرد. به نظر می‌رسد باید «چشم‌ها را شست» و با نگاهی دیگر به دنبال یافتن بیوندهایی منطقی، شایسته، مهرآمیز و معنوی میان کودک و جهان



مضمون بازگشت به طبیعت و بازگشت به روستا به گونه‌ای فراگیر و تکراری و دل‌آزار سایه بر بسیاری از سروده‌های کودک و نوجوان انداخته است.

صنعتی پیرامون او بود.

تا او یاد بگیرد که می‌تواند در کنار وسایل برقی، صنعتی و تکنولوژیک خود، رفتاری طبیعی، معنوی و صمیمی داشته باشد. نباید او را به این گمان انداخت که این ابزار، دشمنان زندگی معنوی هستند و نمی‌توان در همزیستی با این ابزار به معنویت و روحانیت رسید.

پی‌نوشت

۱- محمدی، محمدهادی و زهره قایینی، تاریخ ادبیات کودکان ایران، ج ۶، ۱۳۸۲.

۲- نعیمی، زری، «خدا، خشونت و عشق»، پژوهش‌نامه، سال ششم، پاییز ۱۳۷۹.

۳- هجری، محسن، ادبیات کودک در ایران، تأثیر متقابل سنت و مدرنیته، پژوهش‌نامه، سال دهم، پاییز ۱۳۸۳.

۴- یمینی‌شریف، عباس، نیم‌قرن در باغ شعر کودکان، چاپ ششم، انتشارات روش نو، ۱۳۷۳.